

بسم الله الرحمن الرحيم

ادامه مقام سوّم: مقتضای اصل عملی نسبت به معنای چهارم

بیان شد که مقتضای اصل عملی نسبت به همه اقوال گذشته در باب امکان و عدم امکان اخذ قصد قربت در متعلّق امر، برائت می باشد مگر بنا بر قول دوّم و همچنین قول چهارم در فرضی که قصد قربت به معنای قصد امتثال امر باشد که قائل به استحاله اخذ قصد قربت به معنای قصد امتثال امر در متعلّق امر می باشد، که بیان گردید بر اساس این دو قول، اصل اشتغال جریان پیدا کرده و مجالی برای اجرای اصل برائت نخواهد بود. همچنین در جلسه گذشته بیان گردید که قائل به قول دوّم یعنی محقّق خراسانی «رحمة الله علیه»، دلیل عدم جریان اصل برائت بنا بر معنای چهارم از تعبّدی و توصّلی و در نتیجه جریان اشتغال در این مورد را این دانسته اند که این مورد از موارد شکّ در ملکّف به بعد از علم به اصل تکلیف بوده و طبعاً مجرای اصل اشتغال می باشد، در حالی که مجرای اصل برائت شکّ در اصل تکلیف است و گذشت که هر یک از محقّق نائینی و محقّق خویی «رحمة الله علیهما» در مقام توجیه فرمایش محقّق خراسانی «رحمة الله علیه»، بیان جداگانه ای ذکر فرموده اند. توجیه مرحوم محقّق نائینی در جلسه قبل بیان شد و در ادامه به بیان توجیه محقّق خویی «رحمة الله علیه» در این زمینه می پردازیم.

توجیه محقّق خویی «رحمة الله علیه»

ایشان می فرمایند: نظریّه محقّق خراسانی «رحمة الله علیه» در باب تعبّدی و توصّلی با نظریّه ایشان در باب اقل و اکثر ارتباطی، درای یک نقطه اشتراک و یک نقطه افتراق می باشد^۱.

نقطه اشتراک آن است که محقّق خراسانی «رحمة الله علیه» در هر دو باب معتقد به آن است که عقل حکم می نماید هر گاه حصول غرض مولی با انجام عملی مشکوک باشد، باید آن عمل را به گونه ای انجام داد که قطعاً غرض مولی را حاصل نماید. لذا ایشان در هر دو باب، برائت عقلی و قیح عقاب بلا بیان را جاری نمی دانند^۲.

و اما نقطه افتراق آن است که ایشان در بحث تعبّدی و توصّلی، مقتضای اصل عملی را اشتغال دانسته اند و ملتزم به برائت شرعیّه نیستند و لذا می فرمایند باید عمل با قصد قربت اتیان شود، اما در باب دوران امر بین اقل و اکثر ارتباطی، مثل شک در جزئیّت سوره، ملتزم به جریان برائت شرعیّه شده و حکم به جواز اتیان عمل صلاة بدون سوره مشکوک الجزئیّه می نمایند.

^۱ - ایشان در محاضرات فی اصول الفقه، جلد ۲، صفحه ۱۹۴، ذیل کلام مرحوم محقّق خراسانی می فرمایند: «و لا یخفی ان ما ذکره (قده) هنا بـ مشترك مع ما ذکره (قده) فی کبری مسألة الأقل والأكثر الارتباطیین فی نقطة و یفترق عنه فی نقطة أخرى».

^۲ - ایشان در ادامه می فرمایند: «اما نقطة الاشتراك و هي ان العقل كما يستقل بوجوب تحصيل الغرض هناك عند الشك في حصوله كذلك يستقل بوجوب تحصيله هنا. و من ثمة قد التزم قده هناك بعدم جریان البراءة العقلية كما في المقام. فالنتيجة ان حكمه (قده) بلزوم تحصيل الغرض هنا يقوم على أساس ما بني عليه في تلك المسألة من استقلال العقل بذلك عند الشك في حصوله».

خارج اصول، سال چهارم، «مبحث أوامر»....استاد معظم حاج شیخ عباسعلی زارعی سبزواری مدّ ظلّه العالی سرّ این تفاوت آن است که وقتی مکلف در اعتبار و عدم اعتبار یک شیء در عبادتی مثل نماز شک نموده و از طرفی علم اجمالی به وجود تکلیفی دارد که لا محاله یا به اقل تعلّق گرفته و یا به اکثر و از طرف دیگر علم اجمالی دارد به اینکه مولی در تکلیف به این عمل نماز، غرضی را دنبال می نماید که یا عمل در ضمن اقلّ محضّل آن غرض می باشد و یا عمل در ضمن اکثر و این علم اجمالی به وجود غرض نیز به علم تفصیلی و شک بدوی منحلّ نمی شود؛ لذا با قطعیت اصل تکلیف، عقل حکم به احتیاط و اشتغال نموده و برائت عقلی را جاری نمی داند.^۳

و اقامه پیرامون جریان و عدم جریان برائت شرعی، باید بین مبحث فعلی و مبحث اقل و اکثر ارتباطی تفصیل داد. چون برائت شرعی در جهت رفع جزئیّت و یا رفع شرطیّت امر مشکوک توسط شارع جریان پیدا می کند و لذا در خصوص مواردی قابل جریان است که شیء مشکوک، قابل جعل و رفع به ید شارع باشد. در دوران امر بین اقل و اکثر ارتباطی، جزء مشکوک الاعتبار، چیزی مثل سوره است که هم قابلیت جعل را دارد و هم قابلیت رفع را، و به همین دلیل رفع ما لا یعلمون شامل آن شده و اصل برائت شرعی جریان پیدا می کند؛ اما در مبحث فعلی، جزء مشکوک قصد قربتی است که جعل آن شرعاً امکان نداشته و به تبع آن، رفع هم ممکن نمی باشد. لذا اصل برائت شرعی جریان پیدا نکرده و حکم عقل به لزوم احتیاط به جای خود باقی می ماند.^۴

نظریه استاد معظم

با طرح مباحث پیشین روشن گردید که تفاوتی میان مثل سوره و قصد قربت در جهت امکان اخذ هر یک در متعلّق امر توسط شارع مقدّس و تعلّق جعل به آنها وجود ندارد و ما در گذشته از تمام ادّله ای که برای اثبات استحاله اخذ قصد قربت در متعلّق امر مطرح شده بود، پاسخ مفصّل دادیم. لذا قصد قربت هم مثل سایر اجزاء و شرایط قابل جعل و رفع بوده و به همان دلیلی که برائت شرعی در جزء مشکوک الاعتباری مثل سوره جریان پیدا می کند، در جزء و یا شرط مشکوک الاعتباری مثل قصد قربت نیز جاری می گردد. بنا بر این تفصیلی که محقّق خراسانی «رحمة الله علیه» مطرح فرمودند با این توجیهات قابل دفاع نیست. البته فرمایش ایشان در خصوص باب اقل و اکثر ارتباطی از جهاتی قابل نقد است که ان شاء الله در جای خود مطرح خواهد شد.

نظریه نهایی

مقتضای اصل عملی همانند مقتضای اصل لفظی توضیحات مأمور به بوده و در نتیجه اتیان عمل بدون قصد قربت مجزی می باشد.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین»

^۳ - ایشان در ادامه می فرمایند: «و اما نقطة الافتراق و هي انه (قده) قد التزم بجريان البراءة الشرعية هناك و لم يلتزم بجريانها في المقام. و الوجه في ذلك هو ان المكلف عند الشك في اعتبار شيء في العبادة كالصلاة مثلا كما يعلم إجمالاً بوجود تكليف مردد بين تعلقه بالأقل أو بالأكثر كذلك يعلم إجمالاً بوجود غرض مردد بين تعلقه بهذا أو ذاك، و حيث ان هذا العلم الإجمالي لا ينحل إلى علم تفصيلي و شك بدوي فبطبيعة الحال مقتضاء وجوب الاحتياط - و هو الإتيان بالأكثر - و معه لا تجري أصالة البراءة العقلية».

^۴ - ایشان در ادامه می فرمایند: «و السر في جريان البراءة الشرعية هناك و عدم جريانها هنا واضح و هو ان البراءة الشرعية انما تجري فيما يكون قابلاً للوضع و الرفع شرعاً، و اما ما لا يكون كذلك فلا تجري فيه، و حيث ان الاجزاء و الشرائط قابلتان للجعل فلا مانع من جريان البراءة الشرعية فيهما عند الشك في اعتبارهما، و هذا بخلاف قصد القرية حيث ان جعله شرعاً غير ممكن لا جزء و لا شرطاً لا بالأمر الأول و لا بالأمر الثاني فبطبيعة الحال لا تجري البراءة فيه عند الشك في اعتباره و دخله في الغرض».